

شکوه

به بهانه صحبت‌های جنجالی «ساره بیات»،

بررسی این که واکنش سلبریتی‌ها به انتشار تصاویرشان باید چگونه باشد؟

خانم بازیگر! شوهر خواهر مثل پدر نیست ...

انتشار کلیپی کوتاه از ساره بیات، بازیگر توانمند سینمای کشورمان که در آن رضا قوچان نژاد یعنی شوهرخواهرش را مثل پدرش توصیف می کند و مدعی می شود او را نامحرم نمی داند، در روزهای اخیر حسابی خبرساز شد. ساره بیات که در مراسمی کنار قوچان نژاد، گلزن دوست داشتنی تیم ملی کشورمان روی سن ایستاده بود، سخنانی به این مضمون می گوید که بعد از انتشار تصاویرش با رضا، خیلی مورد انتقاد بوده اما او با قوچان نژاد احساس محرمیت دارد و فقط به احترام جمع، او را در آغوش نمی گیرد! همه این حرف های عجیب ساره بیات در واکنش به نطرات مردم درباره تصاویری بود که همه آن را فراموش کرده بودند و موجش خوابیده بود و اگر هم نیازی به توضیح داشت باید به نحوی می بود که حاشیه جدیدی ایجاد نکند اما خانم بیات ترجیح داد برخلاف شرع و عرف، حرفی را بزند و رفتاری داشته باشد که دوباره مورد توجه قرار بگیرد. در این بین واکنش حاضران در سالن هم عجیب بود؛ در حالی که همه می دانیم شوهر خواهر هرچه قدر مهربان و گرمای، بازهم مثل پدر نیست و حتی اگر رفتار پدرانه ای داشته باشد مثل پدر محرم نیست. بماند که سن ساره بیات و قوچان نژاد تناسبی با حس پدر ودختری هم ندارد. به این بهانه به سراغ موضوع مهمی رفتیم؛ این که واکنش سلبریتی ها به انتشار تصاویر ناهنجارشان چگونه باید باشد؟ باید مثل خانم مجری منکر ماجرا شوند یا مثل بازیگر جوان تلویزیون از مردم طلبکار باشند؟ تصاویر از دواج بهاره رهنما یکی از مواردی بود که این موضوع را حساسی مورد توجه قرار داد. در این پرونده ابعاد رفتار ساره بیات و موارد مشابه را با گفت وگو با دو کارشناس روان شناسی و جامعه شناسی بررسی می کنیم.



تصویر ساز: سعید مرادی

نظر یک روان‌شناس و یک جامعه شناس درباره بهترین رفتار بعد از انتشار اشتباهی یک عکس خصوصی یا لو رفتن آن

سکوت، توضیح یا عذرخواهی؟

را کنجکاوتر کرد. در ادامه این روند، توضیحات عجیب خانم بیات درباره جریان عکس نامتعارفش با رضا قوچان‌نژاد هم بیش از آن عکس، توجهات را جلب کرد. به‌هرحال در دنیای امروز، حفظ حریم شخصی نه‌تنها برای افراد سرشناس که برای ما آدم‌های غیرمشهور هم کار راحتی نیست اما غیر از سازش با مقتضیات دنیای جدید و حواس جمع بودن، چه کاری می‌شود کرد؟ بهترین واکنش دربرابر منتشر شدن یک عکس یا فیلم از زندگی شخصی‌مان چیست؟ سکوت؟ توضیح؟ توجیه؟ عذرخواهی؟ یک روان‌شناس و یک جامعه شناس پاسخ می‌دهند.

یادداشت رضا زبیاپی، روان‌شناس بالینی

در باب شهرت و خیر و شر آن

بی شمار بعدی به او بوده‌است؛ حملاتی که گاه رنجش بیشتری از خود واقعه اصلی برای فرد به ارمغان می‌آورد. نکته کلیدی در این توصیه این است



که ما وقتی به مناظره و گفت‌وگو با فرد یا افرادی می‌پردازیم که

«موضوع» و «روش» گفت‌وگو مشخص

است، در حالی‌که در جنجال‌های صفحات

اجتماعی موضوع و روش را هر فرد به سلیقه

و منطق خود مشخص می‌کند و سپس بر تیر و

کمان خود می‌نوازد. در چنین فضایی، تلاش‌های

بی‌فقه فردی که عکس و فیلمی از او منتشر شده،

سند و مدرک آوردن، توصیف، توضیح و تعریف

کردن از خود و سابقه خود، متأسفانه همه و همه

خوراک جدیدی‌است برای گروه قلیل مترصدان و

شکارچیان بیکار و سرخوش صفحات اجتماعی که

باز بر فرد بتازند. پس بهتر است در چنین شرایطی

علاج واقعه قبل از وقوع کنید و با سکوت خود و یا

یک عذرخواهی کوتاه مجالی برای آن‌ها نگذارید.

البته این امر به‌واقع نیازمند خویشتنداری فرد

قربانی و از همه مهم‌تر دوری و پرهیز از خواندن

و شنیدن زهر نوشته‌های آن گروه معلوم‌الحال

است. روش دوری و فرار که برخی افراد مشهور

از ابتعاد ورود صفحات اجتماعی به کار گرفته‌اند

هم برگرفته از این تجربیات اجتماعی و تاریخی

بوده‌است که عطایش را به لبایش بخشیده‌اند؛

حالا درست و غلطش بماند ولی گاه آدم ناچار است

یک غلطی بکند ولی فردا به صد غلط کردن نبیند.

به امید روزی که کثرت شعور اجتماعی بر قلت

بی‌شعوری اجتماعی چنان غالب شود که چنین

اتفاقاتی مثل رعدی گذرا باشند و هرگز هیچ

هموطنی احساس قربانی شدن نکند و حتی اگر

اشتباهی کرده‌است جامعه ایرانی و ایمانی ما

فرست جبران و برکشت را به او بدهد و نه مظهرود

شدن و تحقیر را.

این روزها جنجال‌هایی بر سر انتشار

تصاویر خصوصی برخی چهره ها،

نقل و نبات صفحات اجتماعی شده،

تقل ونباتی شیرین برای مهمانان، فقر تفریح،

ناخوانده و تلخ و زهرآگین برای

میزبان مستأصل. این که چه می‌شود

گاه فردی مشهور عمداً با سهوا چنین

می‌کند و برخی هم مترصد و در کمین به

او حمله‌ور می‌شوند، یکی از موضوعات جامعه

ماست. یکی از پیامدهای زندگی شهری و نسبتا

مدرن، گاه رفاه و فراغت افراطی برای برخی اقشار

جامعه است و از سویی یکنواختی، فقر تفریح،

لذت‌های طبیعی و میل به لذت‌طلبی برای اقشار

متوسط و فقیر. این دو عامل فراغت بیش از حد در

برخی اقشار مرفه و میل به سرخوشی کاذب در

برخی اقشار پایین‌دست، ترکیب نامیمونی ایجاد

می‌کند که به آن «سادیسم اجتماعی» می‌گویند؛

آزردن دیگری برای تفریح و فراغت. حال مهم

نیست سوژه چه باشد و فرد قربانی کیست و چرا

مرتکب چنین رفتاری شده، بلکه مهم پر شدن

وقت، تخریب و عقده‌گشایی، کسب لذت کاذب

و تشریح «آدرنالین» است. تأکید می‌کنم که این

رفتارها در همه جوامع کنونی بشری وجود دارد

و ما نیز مستثنا نیستیم منتها میزان شیوع آن در

جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق دارد و رابطه مستقیم

با میزان کلی سلامت روان جامعه دارد. هرچه

افراد جامعه‌ای افسرده‌تر، ناکام‌تر و خشمگین‌تر

باشند، به همان نسبت، این گونه ابراز خشم‌های

به ظاهر متمدانه شیوع بیشتری دارد و برعکس.

و اما آن سوی قضیه فرد قربانی چه می‌کند و چه

باید بکند؟ هرچه دفاع بیشتری کند، متهم‌تر می

شود و در این غرقاب، غرق‌تر! بهترین دفاع گاه

سکوت است و گاه یک عذرخواهی کوتاه بدون

هیچ توجیهی. بی شک دیده و خوانده‌اید که هر

جمله و عبارت توجیهی فرد قربانی مسبب حملات

و

در روزگار رونق گرفتن فضای مجازی، که مسیر آسانی برای پاسخ به کنجکاوی مردم درباره زندگی سلبریتی‌ها فراهم

کرده‌است، هرازگاهی عکس یا فیلمی از زندگی خصوصی این افراد منتشر می‌شود که آن‌ها را دچار مشکل می‌کند

اما آن چه ابعاد اتفاقات این چنینی و میزان حساسیت افکار عمومی را مشخص می‌کند، نوع واکنش چهره‌هاست؛

برای مثال در هفته های اخیر که اسم «آزاده نامداری» و «محسن افشانی» به‌دلیل انتشار عکس‌های غیرمتعارف

خصوصی‌شان، بر سر زبان‌ها افتاد، توجیهات و انکارهای عجیب و غریبشان ماجرا را پیچیده‌تر و کاربران فضای مجازی



چندوقت پیش مجموعه عکس‌هایی از «آزاده

نامداری» بدون روسری منتشر شد؛ درجایی که

یک فضای سبز عمومی به نظر می‌رسید و گویا

دیگرانی (غیراز محارم او) حضور داشتند. او در

ویدئویی انتشار این تصاویر را توجیح کرده و آن را

زیر پا گذاشتن حریم خصوصی دانسته و توضیح

داده که در جمع محارم بوده‌است (توجیهی که به

نظر خلاف واقع می‌آید). چندی پیش هم «بهاره رهنما»

از انتشار خبر جدایی‌اش از «پیمان قاسم‌خانی» ابراز ناراحتی و

آن را دخالت در زندگی خصوصی‌اش قلمداد کرده‌بود. همان

زمان «مهناز افشار» با اشاره تلویحی به رهنما، به درستی بیان

کرده‌بود که اقتضائات سلبریتی بودن را باید پذیرفت، از جمله

این که نمی‌شود سلبریتی بود و از مزایایش منتفع شد و از

سویی درباره جنبه های منفی این شهرت ابراز ناراحتی کرد.

یکی از اموری که امروزه حساسیت و تأکید زیادی بر روی آن

وجود دارد، حریم خصوصی و مسئله دخالت نکردن به این

حریم است. در گذشته مرزهای محکمی بین حریم خصوصی

و عمومی برقرار نبود. زندگی خانوادگی افراد در عین

خصوصی بودن، عمومی هم بود. روابط زن و شوهر یا مسائل

خانوادگی به راحتی در میان همسایه‌ها و افراد محله منتشر

می‌شد؛ این موضوع گرچه ممکن بود ناراحتی شخصی را که

جنبه‌های مگوی زندگی‌اش بر ملا شده‌بود، در پی داشته‌باشد

اما فرد تصور نمی‌کرد که حقی از او تنصیب شده یا به حریم

خصوصی‌اش تجاوز شده‌است. دنیای جدید اما همراه با تأکید

بر حریم خصوصی است. مسائل خویشاوندی و خانوادگی و

به‌طور کلی هر آن‌چه فرد (در چهار چوب عقل و شرع) پنهان

از عموم انجام می‌دهد، به شرط آن که آسیب‌زننده به دیگران

نباشد، جزو حریم خصوصی فرد شمرده می‌شود و اجماع

عمومی بر انتشار نیافتن و برملا نساختن آن است. با استفاده

از استعاره نمایشی «گافمن» می‌توان گفت امروزه انسان‌ها از

حق پنهان نگاه داشتن «پشت‌صحنه» خود برخوردار شده‌اند؛

پشت‌صحنه از آن‌جا که مخفی نگاه داشته می‌شود، اطلاع

یافتن از آن جذابیت دارد. و سوسه از زندگی خصوصی دیگران

سر در آوردن، همواره وجود دارد، هر چند تقبیح عمومی آن در

جامعه جدید، به کنترل آن منجر شده‌است؛ این وسوسه به‌ویژه

فلاش بک:

شروع حاشیه‌های ساره بیات از کجا بود؟

یکی دو روز قبل، ویدئوی عجیبی از «ساره بیات» در مراسم اکران عمومی فیلم «زرد» در فضای مجازی منتشر شد که در آن ساره، خواهر خانم «رضا قوچان نژاد»، مهاجم تیم فوتبال کشورمان، به توضیح درباره عکسی پرداخت که خیلی قبل‌تر، بعد از برد تیم فوتبال کشورمان در مقابل تیم ازبکستان و صعود به جام جهانی، با کوچی و در لابی هتل آزادی گرفته و در شبکه‌های اجتماعی مجازی، دست به دست چرخیده بود. تصویری که تقریباً از یادها رفته بود و این که بعد از چند ماه، خانم بازیگر در مراسمی عمومی به آن اشاره می‌کند، جای سوال دارد. ساره بیات در توضیحات کمی عجیبش درباره آن عکس، در حالی که بازوی رضا قوچان نژاد را نوازش می‌کرد، حرف‌هایی با این مضمون زد که: «گشتم تا ببینم شوهرخواهر شبیه چیه و احساس کردم وقتی خواهرت، پاره تن ات را به دست مردی می‌سپاری و می‌گویی مراقب خواهرم باش، حس آن شبیه پدر است؛ چندی پیش عکسی با او داشتم که دست روی شانه هم گذاشته بودیم و برابم کامنت‌های متعددی آمده بود که می‌گفتند شما نامحرم هستید، می‌خواستم این‌جا بگویم با رضا چون شبیه دست‌های پدرم است، احساس محرمیت می‌کنم و امشب هم به خاطر احترام به شما بغل‌اش نمی‌کنم!» و البته حضار هم کف می‌زدند و تشویق می‌کنند. حرف‌های نامانوس و دیر هنگام بیات درباره عکسی که خیلی وقت است پرونده اش بسته شده، این تصور را به وجود می‌آورد که او و امثال ایشان، به اشتباه، دچار توهم در مرکز توجه بودن هستند. چندی پیش هم گمانه زنی‌هایی درباره ازدواج ساره بیات در تلگرام منتشر شد و در حالی که بدون ایجاد موجی فراگیر، به دست فراموشی سپرده شده بود، خانم بازیگر طی پستی در اینستاگرام نوشت: «سرتون تو زندگی خودتون باشه و دخالت تو کار بزرگ‌ترا نکنین که بی فایده است. ما زندگی خودمونو می‌کنیم و شما فقط وقتتونو تلف می‌کنین!» آن چه مسلم است، سبک زندگی «ساره بیات» به عنوان یک سلبریتی مورد توجه عموم است و قطعاً باعث کنجکاوی مردم، اما این که او با چه نیتی ضمن پرداختن به موضوعات قدیمی و کم‌اهمیتی که از یادها رفته، به طرح دوباره آن مسئله با حواشی جدید دامن می‌زند و با توجیهات بدتر از گناه سعی در جلب توجه دارد، همچنان جای سوال است. خانم بازیگر باید به خاطر بسپارد که حرف‌های او به عنوان یک سلبریتی در بین عموم می‌تواند باعث قبح زدایی از خیلی چیزها شود.

